فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc474101577)

[تعریف نسخ 2](#_Toc474101578)

[تفاوت تخصیص و نسخ 3](#_Toc474101579)

[تفصیلات نسخ (رفع حکم ثابت) 3](#_Toc474101580)

[مفهوم نسخ و بداء 4](#_Toc474101581)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول فقه/عام و خاص/ دوران امر بین تخصیص و نسخ

# اشاره

مبحث دیگر که در کفایه نیز ذکر شده؛ دوران امر بین تخصیص و نسخ است، اگر امری دایر شد به اینکه دلیلی نسبت به دلیل دیگر مخصص باشد یا ناسخ باشد، اصل و قاعده چیست؟ دلیل عامی مثل «اکرم العلماء» ذکر شده، بعد از مدتی دلیلی آمده که «لا تکرم العالم الفاسق»؛ اگر امر مردد باشد بین اینکه لا تکرم العالم فاسق، «اکرم العلماء» را تخصیص می‌زند، یا نسخ می‌کند، در این صورت قاعده چیست؟ این بحث از مباحث دارای سابقه هست و در کتب اصولی و کتب عامه مطرح بوده است، در دوره متأخر بعد از مرحوم شیخ و آخوند، این بحث در کتب اصولی استمرار پیدا کرده است.

صاحب کفایه این بحث را مطرح کرده است، در ادامه بر اساس مشرب عقلی و کلامی مرحوم آخوند، از بحث نسخ به مبحث بداء منقل شده‌اند که در کتب کلامی مطرح است و اینکه در عالم تکوین آیا بداء داریم یا خیر؟

# تعریف نسخ

برای اینکه بخواهیم فرق بین تخصیص و نسخ را بدانیم، باید در بازشناسی نسخ توجهی بشود و اینکه حقیقت نسخ چیست. نسخ «رفع الحکم الثابت» است؛ حکمی که ثابت شده؛ برداشته شود، در کلام مرحوم آقای تبریزی و بعضی از بزرگان فسخ آمده است، فسخ درواقع رفع امر ثابت می‌کند، بنابراین نسخ؛ «رفع الحکم الثابت»، اینکه حکمی ثابت و مصداق پیدا کرده و عمل شده، وظیفه واقعی افراد هم همین بوده است، اما بعد دلیلی این حکم را از نظر زمانی برمی‌دارد، گاهی این تعبیر شده که نسخ تخصیص در ازمان است و در خود فرد نیست، در مراوده و مدارای با کفار فرمودند: «**ل**[**ا يَنْهاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذينَ لَمْ يُقاتِلُوکُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوکُمْ مِنْ دِيارِکُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطينَ**](http://www.tadabbor.org/?page=quran&SID=60&AID=8)»[[1]](#footnote-1)؛ در مورد گروهی از کفار گفته شد که می‌توانید با خوبی با آنها رفتار بکنید، در آیه دیگر می‌فرمایند: «[**يا أَيُّهَا النَّبِيُّ جاهِدِ الْکُفَّارَ وَ الْمُنافِقينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ**](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=9&AID=73)»[[2]](#footnote-2)، بعضی گفته‌اند که آیه دوم ناسخ آیه اول است، اینکه در یک مقطع زمانی دستور این بوده است که با کفاری که اهل مقاتله نیستند، می‌شود به‌خوبی و نیکی در ارتباطات رفتار کرد، این مسئله حکم بوده و عمل شده، در زمان بعدی بعضی گفته‌اند نسخ شده است.

# تفاوت تخصیص و نسخ

در تخصیص زمانی که گفته شد: «اکرم العلماء» و در بعد گفته شد: «لا تکرم العالم الفاسق»، معنایش این است که از اول و در همه زمان‌ها در مقصود از اکرم العلماء؛ «لا تکرم العالم الفاسق» در اراده جدیه بوده است، اما در نسخ اراده جدیه ثبوت حکم تا زمان خاص هست ، بعد از آن زمان حکم برداشته شده است، به‌عبارت‌دیگر در نسخ رفع حکم بعد ثبوت هست، اما در تخصیص رفع حکم ثبوتاً نیست، بلکه دفع از اول است.

# تفصیلات نسخ (رفع حکم ثابت)

نسخ که رفع حکم ثابت است، دو تفصیل دارد:

1- تفصیل اول این است که نسخ عبارت است از حکمی است که از اول در عالم ثبوت به نحو مطلق در همه زمان‌ها قرار داده شد، بعد کشف خلافی شد و از او برگشت، در عرفیات و در غیر مولای حکیم مصداق زیادی دارد، گاهی فهمیده می‌شود که از اول اشتباه بوده، گاهی فهمیده می‌شود که این موردی که بنا بوده همیشه باشد، اشتباه بوده و از این زمان خاص به بعد وجهی ندارد که باشد، این نوع نسخ به‌نوعی جهل و عدم احاطه به مصالح واقعی برمی‌گردد که در قانون‌گذاری‌های عرفی زیاد هست.

2- نوع دوم در ارتباط با شارع و مولای حکیم و محیط بر همه وقایع و اتفاقات است؛ در مولای حکیم نسخ یک امر کاملاً اثباتی است، اما در عالم ثبوت، حکم ثابت را رفع نمی‌کند، نسخ در مولای حکیم واقف و خبیر به همه عالم، رفع حکم ثابت نیست، بلکه دفع در واقع است، یعنی در واقع از اول می‌دانسته است که این حکم برای این زمان است.

بنابراین احکام منسوخه بر دو قسم است:

1- احکام منسوخه‌ای هست که در مقام جعل؛ بلندمدت یا ابدی قرار داده شده، بعد فهمیده می‌شود که خطاست و آن حکم را برمی‌دارد که در موالی عرفی به این صورت است.

2- یک نوع احکام منسوخه از مولای حکیم و واقف و خبیر به همه حقائق عالم هست که در اینجا نسخ یک امر کاملاً ظاهری است و شکل بیانی آن نسخ است، در‌واقع حکم از اول محدد به یک‌زمان یا به یک امری زمانی بوده است و از اول هم مولا می‌دانسته که این حکم برای مثلاً پنجاه سال است، منتهی به خاطر مصالحی این قید را در ظاهر ذکر نکرده است.

اگر نسخ به معنای مولای حقیقی و واقف به همه حقائق عالم گرفته شود، همه احکام منسوخه؛ نسخ ظاهری است و درواقع همه این‌ها از اول مقید است.

# مفهوم نسخ و بداء

تبدل از ناحیه مولا گاهی در عالم تشریع است که این تبدل در نظر ظاهری و در عالم اثبات است که نسخ گفته می‌شود اما در عالم ثبوت در واقع تبدلی نیست.

تبدل نظر در مسائل تکوینی در عالم تکوین بداء گفته می‌شود.

نکته‌ای مشترک بین بداء و نسخ این است که تفصیلی باید از نسخ و بداء ارائه بدهیم که مستلزم جهلی در مولای واقعی و خداوند تبارک‌وتعالی نباشد.

در بداء نمی‌شود گفت که مولا نمی‌دانسته و اراده کرده، بعد از مقطع زمانی فهمید و نظرش در عالم تکوین عوض شد.

1. - سوره ممتحنه آیه 8 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره توبه آیه 73 [↑](#footnote-ref-2)